Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شمارهٔ ۷۶ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، پاییز ۱۴۰۱، ص۴۹ – ۷۴

جابر بن عبدالله انصاری و روش تفسیر قرآن

دکتر زهره اخوان مقدم[۱]

چکیده:

این مقاله با روش تحلیل محتوا و تاریخی در پی دستیابی به روش تفسیری جابربن عبدالله انصاری است. بدون اینکه در پی استقراء همه روایات تفسیری جابر باشد، بلکه تنها به روایات جابر در تفسیر مجمع البیان و برخی دیگر از احادیث او اکتفا کرده است. بر این اساس، جزء جریانِ «گرایشِ سلبی» در تفسیر نبوده است و روایات تفسیری جابر چند گونه است: بیان معانی واژه ها، شأن نزول آیات، تعیین مصداق آیه، تفسیر و توضیح آیه، بیان بطون آیه، علوم قرآن، احکام فقهی و عبادات. همچنین روایاتی از او که در زمینهٔ تاریخ، فضال سوره‌ها و فضائل اهل بیت است و برای تفسیر قرآن مفید است. شرح حال مختصر جابر و فرازهای مهم آن، جایگاه جابر نزد پیامبر و اهل بیت و گزارش دیدگاه منابع رجالی شیعه و سنی در بارهٔ جابر، نیز در مقاله آمده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن پژوهی، تفسیر روائی، صحابه، جابربن عبدالله انصاری، تاریخ اسلام

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ـ ایران ـ تهران dr.zo .akhavan@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

مقدمه

قرآن کریم از صدر اسلام تاکنون، مورد توجه مسلمانان به ویژه اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. پیامبر خاتم ﷺ به عنوان نخستین مفسر، مهم‌ترین گام را در شرح آیات الهی و پرورش مفسرانی چون امام علی علیه‌السلام برداشت. ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز به نوبه خود در توسعه فرهنگ قرآنی و تفسیر صحیح آیات نقش اساسی داشتند. صحابه و پس از ایشان تابعان نیز به نوبه خود کوشیدند تا نقاب از چهره قرآن بردارند.

تفسیر قرآن کریم در عصر صحابه که از نیمه دوم قرن اول هجری بیشتر قوت گرفت، جنبه روایی و اثری داشته و بر اساس روایات و احادیث و تقریر پیامبر اکرم ﷺ بوده است. تفسیر صحابه به علت مأثور بودن به شکل ساده بیان می‌گردید و در حقیقت شاخه‌ای از علم الحدیث بوده است، اگرچه برخی از صحابه در تفسیر دارای اجتهاد و روش ویژه خود بودند. پس از طبقهٔ صحابه، نقش تابعان در تفسیر قابل توجه است. تابعان، با عصر نزول قرآن و حضور رسول خدا ﷺ فاصله داشتند، لذا به تدریج اجتهاد در تفسیر و اظهار نظرها قوت گرفت، اما در بین شیعیان، به دلیل وجود ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام انحراف ایجاد نشد و تابعان از وجود ایشان بهره می‌بردند.

در این میان جابربن عبدالله انصاری یکی از اصحاب کم نظیر و خوشنام است. کمتر کسی می‌توان یافت که مانند او بین فریقین، قابل اعتماد همگان باشد. از آنجا که جابر از صحابیان برجسته و مورد توجه پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام بوده و نیز عمر طولانی داشته، بدیهی است که تعداد و به تبعِ آن گونه‌های روایات منقول از او متعدد باشد. جابربن عبدالله انصاری معروف‌ترین صحابی پیامبر ﷺ و در شمار نخستین کسانی است که بعد از هجرت به پیامبر اکرم ﷺ ایمان آورد. وی به نقل ابوالخیر، از مفسران طبقه اول به شمار می‌رود. سیوطی نیز او را از مفسران عصر صحابه می‌داند. وی جوان‌ترین ۷۰ نفر از انصار بود که در عقبه با پیامبر ﷺ بیعت کردند. در نوزده غزوه با پیامبر ﷺ شرکت کرد و در جنگ صفین نیز از یاران امام علی علیه‌السلام بود. جابر یکی از برجستگانِ حفّاظ حدیث و سنن بوده و در کتب رجال شیعی از بزرگان شیعه و محدثان ثقه به شمار آمده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام از وی به سبب تفسیردانی اش تجلیل کرده است. از آنجا که وی هم صحابی است و هم تابعی، بدیهی است که ویژگی هردو گروه تفسیری صحابه و تابعین را داشته باشد.

براین اساس، بررسی جایگاه جابر و روش او در تفسیر قابل مطالعه است. این مقاله با روش تحلیل محتوا و تاریخی در پی دستیابی به روش تفسیری جابربن عبدالله انصاری است. البته مقاله حاضر در پی استقراء همه روایات تفسیری جابر نیست، بلکه از بین آنها به صورت انتخابی، گونه‌های تفسیریِ او را استخراج می‌کند. از این رو پژوهش حاضر تنها به روایات جابر در تفسیر مجمع البیان و برخی دیگر از احادیث او اکتفا کرده، که محقق معاصر جناب استاد حسین واثقی، آنها را در اثر ارزشمند خویش با عنوان «جابربن عبدالله، حیاتُه و مسندُه» گرد آورده و مبنای ایشان، کتاب مجمع‌البیان فضل بن حسن طبرسی، تصحیح علامه شعرانی است. قابل ذکر است که هیچ مقاله و پژوهش مکتوبی در باره شیوه‌های تفسیری جابربن عبدالله انصاری وجود ندارد. تنها یک پایان‌نامه با عنوان «بررسی اقوال تفسیری جابربن عبدالله در منابع شیعی» توسط خانم لیلان حیدری در دانشگاه تربیت معلم تهران نوشته شده، که در آن به تفاسیر روایی شیعه نظیر تفسیر عیّاشی، تفسیر قمی، تفسیر فرات کوفی، البرهان، و نور الثقلین مراجعه شده، و تفسیر مجمع البیان ملاک نبوده است. نیز رویکرد آن، بیستر بررسی سندی روایات جابر بوده و نتیجه آن هم ارزشگذاری در همین حوزه است. البته در دایره المعارف‌ها و دانشنامه‌ها مدخل‌هایی ذیل حرف «جیم» تحت عنوان جابربن عبدالله نوشته شده که مشتمل بر بیان زندگی اوست. حتی کتاب در باره جابربن عبدالله به زبان فارسی به ندرت یافت می‌شود. کتاب استاد حسین واثقی در این باب کم نظیر است، ولی به زبان عربی می‌باشد. نیز گفتنی است که ابن کثیر دمشقی در کتاب مفصل خودش با نام «جامع المسانید و السنن» دو جلد را فقط به روایات جابر اختصاص داده است.

۱. معرفی جابربن عبدالله انصاری

جابر از معروف‌ترین صحابیان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است که حدود ۸۵ یا ۹۴ یا ۹۸ سال عمر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

کرد. اگر چه در سن او اختلاف است و از همین رو تاریخ وفات او را حدود ۷۴ قمری (معادل ۶۹۳ میلادی) دانسته‌اند. نام او جابر و کُنیه‌اش ابوعبدالله است، ولی کنیه‌های دیگری نیز برای او مانند ابومحمد و ابوعبدالرحمان نیز نقل شده است (الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص ۲۲۰). جابربن عبدالله بن عمرو بن حزام بن کعب از مسلمانان مدینه بوده که دو قبیله مشهور اوس و خزرج در آن شهر می‌زیستند و تبار خاندان جابر به تیره «بنی سلمه» از خزرجیان می‌رسد. بدیهی است که در آغاز بعثت پیامبر ﷺ در مکه نام او در بین مسلمانان نباشد، چون در مدینه بوده؛ ولی در بین اهل مدینه، او و پدرش نخستین کسانی هستند که قبل از هجرت پیامبر ﷺ ایمان آوردند و در عنوان بعدی خواهدآمد.

۲. معرفی صحابی بزرگوار جناب «عبدالله انصاری» پدر جابر

پدر جابر «عبدالله بن عمرو حزام» اهل مدینه، صحابیِ رسول خدا ﷺ، از تبار خزرج و از بزرگان انصار بود. وی آنگاه که پیامبر ﷺ در مکه بود، و فقط دوازده نفر در فضای خفقان مشرکان به طور پنهانی با پیامبر ﷺ بیعت کردند، یکی از آنها بود که به «بیعت عقبه اولی» معروف است. سپس در «بیعت عقبه دوم» نیز بین هفتاد تن بیعت کننده جای داشت که البته نمایندهٔ انصار بودند. عبدالله، مدافع نبی اکرم ﷺ بود و در جنگ احد در رکاب پیامبر ﷺ شهید شد (المعارف، ص ۳۱۶). او فرزندش جابر را در جنگ‌های مهم به دنبال خود می‌بُرد تا به مسلمانان مجاهد کمک کند (العلل، ج ۱، ص ۴۰۸).

۳. زندگی جابربن عبدالله و فرازهای مهم آن

اگرچه مروری بر حیات جابر گذشت، ولی ویژگی‌های مهمی در زندگی او وجود دارد که به سبب درس‌آموزی و الگوبرداری، توجه ویژه می‌طلبد.

۳-۱. جایگاه ویژهٔ جابر نزد پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، و اعتقادات شیعی او

اعتقادات شیعی جابر همانند محبوبیت او نزد شیعه و سنی جای شک و شبهه ندارد. او همیشه از صحابه امامان معصوم علیهم‌السلام بوده و طبق روایت مشهور، سلام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

پیامبر ﷺ را به فرزند نسلِ چهارمش، یعنی امام باقر علیه‌السلام رساند. روایات متعددی در افضلیت و وصایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام از او نقل شده و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام نیز در منقولات او فراوان است. جابر یکی از هفت صحابی است که در جریان سقیفه، نسبت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حق امامت ایشان و جانشینیِ پیامبر ﷺ وفادار ماند (حمیری، ص ۷۹؛ کشی، ص ۳۸؛ مقدسی، ج ۵، ص ۱۲۷). از این رو در بین شیعیان جایگاه ویژه دارد. او اگرچه به واسطه نابینایی یا کم بینایی نتوانست در حادثه عاشورا شرکت کند، ولی با همان وضعیت جسمی و کهولت سنّ، نخستین زائر امام حسین علیه‌السلام به حساب می‌آید، که در روز اربعین اتفاق افتاده‌است. کلام او به عطیة کوفی در همین زیارت، قابل توجه و شنیدنی است.

۳-۲. جهاد جابر و شرکت او در جنگ‌های متعدد همراه پیامبر ﷺ

جابر از همان زمان نوجوانی، که هنوز تکلیف جهاد بر او واجب نبود، همراه پدر در جنگ‌های پیامبر ﷺ شرکت می‌کرد و به جهادگران یاری می‌رساند. داستان آب آوردنِ او برای زخمی‌ها در روز جنگ احد مشهور است (التاریخ بخاری، ج ۲، ص ۲۰۷) و این ماجرا از زبان خود او نیز نقل شده است (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۱۶). اگر چه برخی حضور او را در جنگ احد نفی کرده‌اند (المعارف، ص ۳۰۷)؛ ولی به نظر می‌رسد حضور او در جنگ، به عنوان مرد جنگی و جهادکننده نفی شده‌است. به گفته محققان، جابر از همان عنفوان جوانی، همراهی و مصاحبت پیامبر ﷺ را ترک نکرده و در جنگ‌ها شرکت داشته‌است. به گزارش خود جابر، وی از بین ۲۷ غزوهٔ رسول خدا ﷺ در ۱۹ غزوه حاضر بوده (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۱۴)؛ و نیز در برخی سَریّه‌ها هم شرکت جسته‌است (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲). در برخی گزارش‌های تاریخی آمده که وی تنها در یک جنگ همراه پیامبر ﷺ نبود، و آن، جنگ «حمراءالأسد» است که بلافاصله بعد از جنگ اُحد به وقوع پیوست و جابر با اجازه پیامبر ﷺ از آن جنگ معاف شد، زیرا پدرش تازه شهید شده و وی را سرپرست خانواده کرده بود. گفتنی‌است که در واقع، جنگی هم اتفاق نیفتاد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۳-۳. محبوبیت نزد پیامبرﷺ و ۲۵ بار استغفار پیامبرﷺ برای او در ماجرای «لیلة البعیر»

جابر به واسطه ویژگی‌های مثبت فراوان، از همان نوجوانی مورد علاقهٔ مسلمانان و خصوصا شخص پیامبرﷺ بود و اعتبار داشت. فضائل او زیاد و در کتب فریقین مشهور است. از مشهورترین فضائل منقولش ۲۵ بار استغفار پیامبرﷺ برای وی در ماجرای «لیلة البعیر» است (پاکتچی، به نقل از ترمذی، احمدبن حنبل، ابن حِبّان، و حاکم نیشابوری). ماجرا از این قرار است که جابر سرپرست نُه خواهر خود بود و از مشکلات مالی رنج می‌برد و دِین‌های پدر نیز بر عهده‌اش بود. سال چهارم هجرت، شبی پیامبرﷺ در راه بازگشت از غزوهٔ «ذاتُ الرّقاع» جویای حال جابر شد و متوجه شد که بسیار گرفتار است. لذا آبرومندانه مشکل او را برطرف کرد؛ بدینسان که شتر او را خرید و تا مقصد، جابر همراه پیامبرﷺ بر یک شتر سوار بود و در همین حال رسولِ خداﷺ بارها برای او استغفار کرد (الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۳). قصه فروش شتر خواندنی است و در منابع متعدد ذکر شده است.

۳-۴. موضع او در قبال اتفاقات سیاسی بعد از رحلت پیامبرﷺ

برخلاف برخی اصحاب که وارد فعالیت‌های سیاسی و نظامی شده و غالبا مشکلاتی در مسیر پیشرفت اسلام ایجاد کردند، جابربن عبدالله به مشارکت در چنین کارهایی دامن نیالود و غالباً در مدینه می‌ماند. اما از حق و حقیقت کناره نگرفت و در شمار چند تن معدود بود که در جریان سقیفه در کنار سلمان و ابوذر، وفاداری خود را نسبت به امیرالمومنین علیه‌السلام ابراز و تأکید کرد. وی از رویدادهای پیرامون خود به خوبی اطلاع داشت و گزارش‌های او در باره اعمال عمر در زمان خلافتش و نیز ماجرای شورش مردم بر علیه عثمان و کشته شدن او و همچنین گزارش در باره جنگهای امیرالمومنین و نیز حوادث عصر معاویه، همه و همه نشان از این دارد که وی وقایع سیاسی عصر خود را دنبال می‌کرده است (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷؛ مدخل جابر. منابع بسیار فراوان فریقین را در باره جابر در همین مقاله ببینید)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۳-۵. ماجرای ازدواج جابربن عبدالله انصاری

پدر جابر، یعنی عبدالله انصاری عائله‌مند بود. او نُه دختر و به عنوان آخرین فرزند، همین یک پسر یعنی جابر را داشت. در جنگ اُحُد شهید شد و عیال و دُیون او نصیب تنها پسرش ماند. به نقلی از همین رو، پیامبرﷺ او را از شرکت در جنگ حمراءالاسد، که بعد از جنگ اُحد درگرفت، معاف فرمود. قصه فقر او در عنوان «واقعه لیلة البعیر» ذکر شد. در سال سوم هجرت، و قبل از غزوة ذات الرّقاع ازدواج کرد. او برای ازدواج، مانند دیگر جوانان، به سراغ دختران جوان نرفت، بلکه با بیوه‌ای به نام «سُهَیمه» دختر مسعود بن اوس ازدواج کرد، تا بهتر بتواند از خواهران خود سرپرستی کند. او ماجرای ازدواج خود را برای پیامبرﷺ تعریف کرد و حضرت تایید فرمود. ماجرا از این قرار بود که جابر تعریف می‌کند همان زمان که با پیامبرﷺ بر یک شتر نشسته بودیم و سخن می‌گفتیم، پیامبرﷺ از من پرسید: آیا ازدواج کرده‌ای؟ گفتم: آری. پرسید: با بیوه یا باکره؟ گفتم: با بیوه. پرسید: چرا؟ گفتم: فدایت شوم. پدرم که روز اُحد شهید شد، نُه دختر به جا گذاشت. من با یک زنِ باتجربه ازدواج کردم تا بتواند آن‌ها را جمع و مراقبت کند. نبیّ اکرم ﷺ با عبارت «أَصَبتَ» مُهر تأیید بر تصمیم و عمل او نهاد (ر.ک: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۴۸؛ ابن کثیر، ج ۴، ص۹۹؛ منابع دیگر را ببینید در: مسند جابر، ص ۵۷). این موضوع نشان می‌دهد افکاری که در جامعه ما نسبت به ازدواج با زنان بیوه وجود دارد، با اسلام و سنت نبوی تناسبی ندارد.

۳-۶. ارجاع دادن امام حسین علیه‌السلام در حقانیت سخن خویش به جابر

از آنجا که شخصیت جابر را موافق و مخالف تایید می‌کنند، این نکته در حوادث عاشورا قابل توجه است. در کربلا یک لشکر دشمن حاضر شده‌اند که ادعای مسلمانی دارند، ولی بر روی سبط رسول خدا ﷺ به عنوان «خارجی» شمشیر می‌کشند. اینان دم از پیروی پیامبرﷺ می‌زنند و لذا باید سخنان پیامبرﷺ را به آنها گوشزد نمود. امام حسین علیه‌السلام، فضائل خویش را از زبان پیامبرﷺ نقل می‌کند و می‌فرماید: آیا من پسر دختر رسول شما نیستم؟ ...آیا پیامبرﷺ، من و برادرم را سیّدِ جوانان اهل بهشت نشمرده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

است؟ سپس امام، دفع دخل مقدر فرموده و ادامه می‌دهد: اگر مرا شخصی راستگو می‌دانید، و در فضائلی که گفتم تصدیق می‌کنید، که می‌دانید از زمانی که فهمیدم خدا بر دروغگویان خشمگین می‌شود، هرگز دروغ نگفته ام. ولی اگر مرا دروغگو می‌شمارید، در بین شما از اصحاب رسول خدا ﷺ کسانی هستند، که می‌توانید از آنها صحّت سخنان مرا جویا شوید. سپس امام حسین علیه‌السلام نام پنج نفر را می‌برند که یکی از آنها جابربن عبدالله انصاری است (ارشاد، ج ۲، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶).

البته جابر به دلیل سنّ زیاد و نابینایی یا کم بینایی، از شرکت در لشکر امام حسین معاف بود، ولی به نقل شیخ طوسی و ابن طاووس (مصباح المتهجد، ص ۷۳۰؛ مصباح الزائر، ص ۲۸۶) وی نخستین زائری است که در کربلا مزار امام حسین علیه‌السلام را زیارت کرد. اهمیت این سفر، آنگاه معلوم می‌شود که چنین سفری در آن زمان، بسیار خطرناک بوده، زیرا ماموران ابن زیاد و یزید همه جا پراکنده بودند و هیچ ابایی از کشتن مردم نداشتند. ولی به قول یکی از محققان معاصر: «خرج رجل محمدیّ علویّ فاطمیّ حسینیّ مِن مدینة الرسول، و عزم علی سفر طویل من المدینة الی کربلا ...» (مسند جابر، ص ۸۹).

۴. جایگاه جابر در منابع رجالی شیعه و اهل سنت

جابربن عبدالله انصاری یکی از اصحاب کم نظیر و خوشنام است که کمتر کسی مانند او بین فریقین، قابل اعتماد همگان باشد. وی از سال های آغازین جوانی در جوار پدر بزرگوارش با نبیّ اکرم ﷺ بیعت کرد و تا آخر عمرش با اعتقاد سالم گذارند[1]. کمتر کسی است مانند او که به یقین، شیعه باشد ولی در منابع عامه نیز، هیچ قدح و ذمی در موردش موجود نباشد. بهر حال در کتب رجالی شیعه و سنی مدح او فراوان است به اندازه‌ای که در باره او گفته شده: «نیاز به توثیق ندارد» (معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۵).

۱. شرح حال کامل جابر و ارجاع‌های متعدد را در منابع زیر ببینید: منتهی الآمال، تاریخ حضرت خاتم؛ دانشنامه جهان اسلام، مدخل جابربن عبدالله، از احمد بادکوبة هزاوه؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۷، مدخل جابر، از احمد پاکتچی؛ دانشنامه امام حسین علیه‌السلام برپایه قرآن و حدیث و تاریخ، ترجمه عبدالهادی مسعودی؛ و ...

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۵. گونه شناسی روایات منقول از جابر

از آنجا که جابر از صحابیان برجسته و مورد توجه پیامبرﷺ و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین بوده و نیز عمر طولانی داشته، بدیهی است که تعداد و به تبعِ آن گونه‌های روایات منقول از او متعدد باشد. پسرِ «عبدالله انصاری» احادیث فراوانی از پیامبرﷺ نقل کرده و لذا در کتب تراجمِ صحابیان، او را «حافظ سنت نبوی و مُکثِر در حدیث» نامیده‌اند (الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص۲۲۰) و روایات او مورد توجه فریقین است. جابر در مسجد نبوی حلقه درس داشت و حدیث، إملا می‌کرد. نَوَوی می‌گوید: «از جابر ۱۵۴۰ حدیث نقل شده که ۶۰ حدیث از آنها را هم بخاری و هم مسلم در صحیح خویش نقل کرده‌اند». وی بسیار طالب علم بوده و طبق نقل مستدرک حاکم، برای شنیدن یک حدیث درباره قصاص، تا مصر سفر کرده است (مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۴۳۷).

بدیهی است که هم صحابه از او نقل کنند و هم تابعان؛ چون به لحاظ عمر طولانیِ او، تابعانی چون حسن بصری، عامر شعبی، مجاهد بن جَبر، و عطاء بن أبی رِباح از وی روایت کرده‌اند. حتی برخی امامان شیعه نیز، احادیث نبوی را گاه از قول جابر نقل می‌کنند.

از حیث گونه شناسی، روایات او همه عناوین دینی را در بر می‌گیرد؛ یعنی حوزه اخلاق، حوزه احکام و فقه، و حوزه اعتقادات؛ ولی چون وی صحابی معتقد و پیرو پیامبرﷺ بوده، احادیث حوزه اعتقادات در بخش امامت از او فراوان نقل شده است. نیز احادیث ناظر بر تفسیر قرآن از او نقل شده که موضوع پژوهش حاضر است، مانند سوال او از «کلاله» که در پاسخ او آیه مشهور به «آیه کلاله» (نساء/۱۷۶) نازل شد که (طوسی، تبیان، ذیل آیه).

یکی از مهمترین احادیث اعتقادی که از ایشان نقل شده، حدیث معروف لوح در حوزه امامت است که مشتمل بر معرفی امامان شیعه می‌باشد. در همین حوزه امامت، حدیث معروف دیگری هست که به نام «حدیث جابر» مشهور شده و آن نیز مشتمل بر نام ائمه شیعه می‌باشد و چون ذیل آیه «اولی الامر» مطرح شده، در بخش روایات تفسیری بدان خواهیم پرداخت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۶. روش تفسیری جابربن عبدالله انصاری

برای فهم روش تفسیری جابر، باید با تفسیر در دوران صحابه آشنا باشیم. با نزول قرآن، مردم برای فهم آن، به پیامبر رجوع می‌کردند، زیرا وظیفه تعلیم کتاب با پیامبر بود (جمعه/۲). کتاب خدا به زبان عربی بود و درک معانی ظاهری آن، برای عرب‌زبان‌ها آسان می‌نمود، ولی به دلائلی معانیِ قرآن در ظاهر آن محدود نمی‌شد، اگر چه برخی عالمان در این حوزه مبالغه کرده و معتقدند که همه معاصران نزول، همه مفردات و جملات قرآن را درک می‌کردند(مقدمه تاریخ، ص ۲۷۹). گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که تنها با دانستن زبان عربی، فهم قرآن برای همه ممکن نبوده، چون اولاً برخی از آیات، نیاز به استدلال و برهان و قیاس منطقی داشته (انبیا/۲۲؛ انعام/۷۶)؛ ثانیاً برخی از آیات ناظر به احکام و به صورت کلی بوده و جزئیات آن نیاز به تبیین داشته (اسراء/۷۸ و ...)؛ ثالثاً آیات قرآن مشتمل بر کنایه‌ها و استعاره‌هایی است که نیاز به تفسیر دارد (نور/۳۵ و ...)؛ رابعاً آیات متشابه در کلام خدا هست که به تبیین و تفسیر نیاز دارد. رسول خدا ﷺ که نخستین مفسر قرآن بود، در مدرسه تفسیری خود به دو شیوه عمومی برای همه مردم، و خصوصی برای صحابیانی خاص، مفاهیم قرآن را تبیین می‌فرمود.

همه صحابه از نظر قدرت فکری و فهم قرآن یکسان نبودند و خود نیز به این امر اعتراف می‌کردند. از خلیفه اول و دوم و نیز ابن عباس گزارش‌هایی رسیده که نشان می‌دهد فهم آیات قرآن برای آن‌ها آسان نبوده‌است (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ص ۵۶). گذشته از هوش و استعداد و دانش، از حیث دینی و معرفتی و اهتمام به پیروی از رسول خدا ﷺ و یادگیریِ معارف قرآنی از ایشان، نیز بسیار متفاوت بوده و در یک سطح نبودند. لذا تعداد روایات تفسیریِ منقول از پیامبر ﷺ در بین صحابه بسیار متفاوت است، ولی به طور کلی می‌توان گفت تفسیر صحابه این ویژگی‌ها را داشته است: به شکل نَقل زبانی و روایت از پیامبر ﷺ بوده یعنی اجتهاد در بین ایشان کم بوده بلکه از آن بی نیاز بودند؛ مقید به تدوین تفسیر نبودند؛ کل قرآن تفسیر نمی‌شد؛ ساده تفسیر می‌کردند و به دنبال وجوه معنایی و اشتقاق کلمات نبودند؛ در مسائل کلامی و فقهی آراء مختلفی وجود نداشت؛

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

از تفسیر به رأی مبرّا بودند، و البته افزون بر روش نقلی، گاه اجتهادهایی نیز در تفسیر ایشان دیده می‌شد.

پس از طبقهٔ صحابه، نقش تابعان در تفسیر قابل توجه است. از آن رو که تابعان، با عصر نزول قرآن و حضور رسول خدا ﷺ فاصله داشتند، به تدریج اجتهاد در تفسیر و اظهار نظرها قوت گرفت، اما در بین شیعیان، به دلیل وجود ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام انحراف ایجاد نشد و تابعان از وجود ایشان بهره می‌بردند. به طور کلی تفسیر تابعان این ویژگی‌ها را داشت: ظهور تنوع و اختلاف در تفسیر از جمله تفاسیر عقلی و عرفانی؛ عبور از مرحله بساطت و ورود مطالب کلامی و فرقه‌ای به تفسیر؛ تکیه بر اجتهادهای شخصی بدون استناد به پیامبر ﷺ؛ تکیه به ظنّ و گمان؛ وجود تفسیر به رأی؛ و گسترش روایات اسرائیلی (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ص ۸۳ و ۱۲۶).

بر اساس مرور فوق پیرامون تفسیر در بین صحابه و تابعان، جایگاه جابر و روش او در تفسیر قابل مطالعه است. از آنجا که وی هم صحابی است و هم تابعی، بدیهی است که ویژگیِ هر دو را داشته باشد. البته باید اذعان کرد که رویکرد غالب در تفسیرِ دو قرن نخستین، رویکرد روائی بوده و دلیل عمده‌اش صرف نظر از بساطت تفسیر و حضور پیامبر ﷺ، روحیه عمل‌گرایی و پرهیز از بحث و مجادله‌های نظری بود. لذا فهم قرآن را موقوف به بیان نبوی می‌نمودند. از همین جاست که بحث امکان یا عدم امکان فهم قرآن به وجود آمد.

مطالعهٔ روایات جابربن عبدالله نشان می‌دهد وی جزء جریانِ «گرایشِ سلبی» در تفسیر نبوده‌است. توضیح آن‌که پس از عصر نزول، شاهد دو جریان کلی در تفسیر هستیم. اول گروهی که از جریان روایت‌گرا بیگانه هستند و تفسیر را به مثابه دانش مستقلی می‌شمرند که حدیث، تنها یکی از منابع آن است. دوم گروهی که تفسیر را صِرفاً در بستر دانش حدیث و در قالب روائی جستجو کرده و باب نظرورزی و اجتهاد را مسدود می‌دانستند. اینان خود به دو بخش قابل تقسیمند. بخش اول گرایش سلبی یعنی کسانی که به دلیل بضاعت علمی کم، و یا تقوای زیاد و ترس از درافتادن به دام «تفسیر به رأی»، از تفسیر اکراه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

داشتند و حتی اگر شخصی تکیه بر روایت نمی‌کرد مورد انتقاد قرار می‌گرفت. بخش دوم گرایش ایجابی یعنی کسانی که به رغم تنگ نظری در روش تفسیر روائی، قلمرو روایات را توسعه داده و آثار تفسیری را گسترش دادند.

در حوزه اهل سنت، روایات صحابه را حجت دانستند؛ ولی در حوزهٔ تشیع، محور اصلی بر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام استوار بود که به مثابهٔ سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پذیرفته می‌شد (آسیب شناسی جریان‌های تفسیری، ص ۱۲۴-۱۳۰). جابر از آن روی که صحابی بود، غالب تفسیر وی نقل از رسول خدا است، اما از آن روی که تابعی بود، رایحه‌هایی از اجتهاد نیز در تفسیر او به چشم می‌خورَد.

۷. تحلیل و بررسی روایات تفسیری منقول از جابر

به دو سبب تعداد روایات منقول از جابربن عبدالله انصاری فراوان است. اول آن که وی از سن نوجوانی و جوانی مصاحب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین بوده، و دوم آن که عمر طولانی داشت. از همین رو همه گونه‌های روایات، در منقولات او دیده می‌شود. هدف مقاله حاضر بررسی روایات تفسیری اوست که آنها هم کم نیستند و به چند گونه قابل تقسیم‌اند که در ادامه خواهند آمد. اینک لازم است دو تذکر مهم ارائه شود.

تذکر اول آنکه مقاله حاضر در پی استقراء و اصطیاد همه روایات تفسیری جابر نیست، بلکه از بین آنها به صورت انتخابی، گونه‌های تفسیریِ او را استخراج می‌کند. از این رو پژوهش حاضر تنها به روایات جابر در تفسیر مجمع البیان و برخی دیگر از احادیث او اکتفا کرده، که محقق معاصر استاد حسین واثقی، آنها را در اثر ارزشمند خویش با عنوان «جابربن عبدالله، حیاتُه و مسندُه» گرد آورده و مبنای ایشان، کتاب مجمع‌البیان فضل بن حسن طبرسی، تصحیح علامه شعرانی است. بدیهی است که روایات جابر، هم در منابع شیعی و هم در منابع عامه بسیار است تا آنجا که ابن کثیر دمشقی در کتاب مفصل خودش با نام «جامع المسانید و السنن» دو جلد را فقط به روایات جابر اختصاص داده است. روایات این صحابی بزرگوار در مورد تفسیر قرآن به اندازه‌ای است که سیدمحسن عاملی، وی را از «أجلّاء مفسّرین» می‌شمارد (اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۴۶).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

تذکر دوم آن‌که روایات تفسیری جابر از حیث استناد به نبیّ اکرم ﷺ، در کُلّ بر دو گونه قابل تقسیم است. برخی به شخص رسول خدا ﷺ استناد داده می‌شود، چه آن‌که خود جابر مستقیما از ایشان نقل کند، و چه آن‌که جابر ناقل گفتگوی پیامبر ﷺ با شخص دیگری باشد. برخی دیگر به ظاهر، استنادی به رسول خدا ﷺ ندارد؛ لذا معلوم نیست که اجتهاد جابر بوده، یا چیزی از سند ساقط شده است. با توجه به این دو تذکر، اینک در هفت بخش، تنویع و تبویب روایات جابر می‌آید.

۷-۱. روایات تفسیری جابر، ناظر بر بیان معانی واژه ها

فهم هر جمله و متنی مبتنی بر فهم مفردات آن است و در تقدم فهم واژه‌ها بر جمله‌ها شکی نیست. بر همین اساس، بحث از مفردات قرآن ریشه در زمان نزول دارد. در این زمینه از جابر روایاتی نقل شده، مانند آن که جابر از گفتگوی یک شخص با رسول خدا ﷺ گزارش می‌دهد که از معنای «قنوت» می‌پرسد. خداوند در سوره بقره آیه ۱۱۶ می‌فرماید: وَ قالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً سُبْحانَهُ بَلْ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قانِتُون. در مجمع البیان ذیل آیه مذکور آمده که اصل در معنای قنوت، دوام است؛ ولی در وجوه متعدد استعمال شده، اول به معنای «طاعت» و «کلّ له قانتون» یعنی «مطیعون». دوم به معنای «نماز» مانند آیه «یا مریم اقنتی لربک». سوم به معنای «طول قیام»، چنانچه از جابربن عبدالله روایت شده که از پیامبر ﷺ سؤال شد: «چه نمازی افضل است؟ فرمود: «طول القنوت ای طول القیام». سپس طبرسی وجوه دیگری را نیز بیان می‌کند. بنابر حدیث جابر، یکی از معانی «قانت بودن»، قیام طولانی به عبادت است.

نمونه دیگر از بیان معنای مفردات قرآن، معنای عقل است که در لغت به معنای «منع» و «بازداشتن» آمده است. خداوند در سوره عنکبوت آیه ۴۳ می‌فرماید: وَتِلْكَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما يَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُونَ. می‌دانیم که واژه عقل در قرآن نیامده، زیرا آنچه برای قرآن مهم است، صِرف داشتن «عقل» نیست، بلکه به کار گیری آن است؛ لذا قرآن کاربرد فعلی عقل را استعمال می‌کند و بر کاربستِ عقل تاکید می‌فرماید. از این رو با ثلاثی مجردِ «یَعقِلُ» و یا ثلاثی مزیدِ «تعقّل» از آن تعبیر می‌فرماید. در آیه مورد بحث، نوع اولِ کاربرد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

مطرح است و می‌فرماید مَثَل‌هایی که ما می‌زنیم، فقط عالمان بر آنها تعقل می‌کنند. جابربن عبدالله در روایتی می‌گوید: «تَلا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله هذِهِ الآيَةَ: وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَا الْعَالِمُونَ وقالَ: العالِمُ الَّذي عَقَلَ عَنِ اللهِ، فَعَمِلَ بِطاعَتِهِ، وَاجتَنَبَ سَخَطَهُ»؛ (مسند جابر، ص ۳۷۸، حدیث ۴۱۲؛ به نقل از: مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۸۴)؛ یعنی: پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را خواند و فرمود: عالم کسی است که از طرف خدا تعقل کند، پس به اوامر او کمربندد و از نواهی او دور شود. تعبیر «عَقَلَ عَنِ اللهِ» در روایات متعددی از جمله روایت هشام از امام کاظم علیه السلام در باره عقل و جهل آمده، و اندیشمندان اسلامی در ترجمه آن به زحمت افتاده‌اند. شاید بتوان گفت معنای روایت این شود که: «عالم کسی است که تعقل و بصیرت الهی داشته باشد، پس به عامل به اطاعت الهی است و از خشم او پرهیز می‌کند». در مجمع البحرین، تعبیر فوق، به «عَرَفَ عَنِ الله» معنا شده، و با توجه به سخنان شارحان اصول کافی پیرامون حدیث هشام، به نظر می‌رسد تعبیر «عَقَلَ عَنِ اللهِ» بدین معناست: «بصیرت و معرفت عمیقی که با الهام خداوند حاصل می‌شود و موجب ایجاد تقوی می‌گردد». بر این اساس طبق روایت جابر، در «يَعقِلُ» معنای لغویِ عقل، یعنی «منع» نهفته است که ایجاد ملکهٔ «تقوا» می‌کند و این تقوا، خود باعث عمل به دستورات الهی و بازداری از نواهی الهی می‌گردد.

نمونه سوم ذیل آیه ۱۴ سوره بلد است؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: «أَوْ إِطْعامٌ في يَوْمٍ ذي مَسْغَبَةٍ».. در آیات قبل سخن از چیستیِ «عَقَبَة» به میان آمده، و در پاسخ دو عمل ذکر شده، که اولی آزادسازیِ برده، و دومی اطعام به دو گروه است: یتیم و مسکین. اما در چه زمانی؟ «في يَوْمٍ ذي مَسْغَبَةٍ». واژهٔ «مسغبه» از تکآمدهای قرآن است و تنها همین جا دیده می‌شود و مصدر میمی از ریشه «س‌غ‌ب» می‌باشد. راغب می‌گوید: این مصدر میمی، به معنای «گرسنگی توأم با زحمت» است؛ پس چون تعبیر آیه شریفه «یوم المَسغَبه» است، به نظر می‌رسد مرادش اطعام در ایامی است که فقر و گرسنگی بر مردم غلبه کرده باشد؛ ولی طبرسی آن را به معنای مطلق گرسنگی می‌داند. «سَغَب» بر وزن «غضب» به معنای گرسنگی است و طبرسی «سَغِبَ يَسغَبُ» را معادل «جاعَ يَجوعُ» می‌شمارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

جابربن عبدالله در این باره حدیثی از قول رسول الله ﷺ نقل کرده که می‌فرماید: «مِن مُوجِبَاتِ المَغفِرَةِ إِطعَامُ المُسلِمِ السّغبَانِ»؛ (مسند جابر، ص ۳۸۲، حدیث ۴۲۹؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۹۵)؛ یعنی: طعام دادن به مسلمان گرسنه، موجب بخشش الهی می‌شود. بر این اساس، مراد آیه، مطلق گرسنگی می‌شود.

۷-۲. روایات تفسیری جابر، ناظر بر ارائهٔ شأن نزول آیات

برخی از آیات قرآن بعد از یک سؤال یا یک ماجرا نازل شده‌اند تا پاسخی برای سؤال یا توضیحی برای ماجرا باشند و در اصطلاح علوم قرآنی به آن «شأن نزول» می‌گویند. آگاهی از شأن نزول‌ها در فهم قرآن بسیار کارآمد هستند تاجایی که برخی عالمان، آن را شرط اساسی فهم می‌دانند، اگرچه در روایات شأن نزول دقت و پالایش، ضروری است. سخن صحابیان رسول خدا ﷺ که در فضای نزول حاضر بوده‌اند، در نقل این ماجراها و فضاها برای آیندگان، کمک کننده‌اند. منقولات جابر در حوزه بیان شأن نزول آیات فراوان است و تعجبی هم ندارد؛ چون وی مصاحب پیامبر ﷺ بوده و در بسیاری از مواقع، هنگام نزول آیات، در متن واقعه حاضر بوده، و از زمینه و سبب نزول آیات با خبر بوده است. مثلا ذیل آیه ۱۱۵ بقره، روایت جابر می‌تواند بدفهمی یا ابهام آیه را برطرف نماید. خداوند می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ واسِعٌ عَلیم». شاید گمان شود که برای خواندن نماز، یافتن قبله خاص ضرورت ندارد و به هر سویی بخوانیم کافی است، ولی شان نزول روشن می‌سازد که نزول آیه، کلی و ناظر به همه زمان‌ها نیست. جابر می‌گوید: در یکی از «سَریّه‌ها» رسول خدا ﷺ عده‌ای را برای جنگ فرستاد، که من هم جزء آن‌ها بودم. شب تاریکی بود و ما نتوانستیم قبله را بیابیم. برخی گفتند ما قبله را می‌شناسیم و به سمت شمال، اشاره کرده و سپس نماز خواندند و خطوطی را کشیدند. گروهی دیگر نیز ادعا کردند که ما می‌شناسیم، و سمت جنوب نماز خواندند و خطوطی کشیدند. وقتی صبح شد و خورشید طلوع کرد، دیدیم که خطوط هر دو گروه، غلط است و سمت قبله نبوده‌است. از سفر برگشتیم و موضوع را از رسول خدا ﷺ پرسیدیم. پیامبر ﷺ قدری سکوت کرد و سپس این آیه نازل شد. (مسند جابر، ص ۳۶۷، ح ۳۷۰؛ به نقل از مجمع

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

البیان، ج۱، ص۱۹۱). اگرچه شأن نزول‌های مختلفی برای آیه مطرح شده، ولی روایت جابر راهگشاست.

نمونه دیگر در مورد آیه ۱۹۹ آل عمران است که خداوند می‌فرماید: «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خاشِعِينَ لِلَّهِ لا يَشْتَرُونَ بِآياتِ اللَّهِ ثَمَناً قَلِيلاً أُولئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسابِ». آیه تصریح دارد که شخصی از اهل کتاب، چنین ایمانی داشته و لیاقت چنین مدحی را دارد، اما این‌که چه کسی از اهل کتاب در این آیه مورد تمجید قرار گرفته، بین مفسران اختلاف نظر است. جابر در روایتی می‌گوید: زمانی که نجاشی، حاکم حبشه از دنیا رفت، جبرئیل به رسول اکرم ﷺ گفت: خارج شوید و بر او نماز بخوانید. پیامبر ﷺ پرسید: بر چه کسی؟ گفت: نجاشی. پس رسول خدا ﷺ به سمت بقیع رفت و زمین حبشه بر او مکشوف شد، و بر جنازه او نماز خواند و برگشت. منافقان گفتند: این مرد را ببینید که چگونه بر یک نصرانی حبشی، که تا به حال او را ندیده و اعتقادی به دین او ـ یعنی اسلام ـ ندارد، نماز می‌خواند! پس این آیه نازل شد. (مسند جابر، ص۳۷۰، ح۳۸۱؛ به نقل از مجمع البیان، ج۲، ص۵۱). اگر روایت جابر را بپذیریم، احتمال مسلمان شدن نجاشی تقویت می‌شود؛ زیرا آیه کریمه تصریح دارد که او به دین خودش و دین مسلمانان اعتقاد داشته و در مقابل خدا، خاشع بوده است.

نمونه سوم در باره سوره جمعه آیه ۱۱ است که خداوند می‌فرماید: «وَإِذا رَأَوْا تِجارَةً أَوْ لَهْواً انْفَضُّوا إِلَيْها وَتَرَكُوكَ قائِماً قُلْ ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ». جابر که در ماجرا حضور داشته، می‌گوید: أَقْبَلَتْ عِيرٌ وَنَحْنُ نُصَلِّي مَعَ رَسُولِ اللهِ الْجُمُعَةَ، فَانْفَضَ النَّاسُ إِلَيْهَا فَمَا بَقِيَ غَيْرُ اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا أَنَا فِيهِمْ، فَنَزَلَتِ الْآيَة... یعنی: «روز جمعه کاروانی رسید، در حالی که ما با پیامبر ﷺ نماز می‌خواندیم. همه مردم به سوی کاروان رفتند و فقط من و یازده نفر دیگر باقی ماندیم و لذا این آیه نازل شد». قابل توجه آنکه این آیه می‌تواند مدح و فضیلت جابربن عبدالله و بقیه افرادِ همراه او به حساب آید، و نیز برای بقیه مسلمانان، اعم از مهاجران و انصار، قدح و ذمّ باشد. نیز می‌تواند میزان ادب و فهم و دینداری و علاقه صحابیان را به پیامبر ﷺ و سطوح مختلف ایمانیِ آنها را نشان دهد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۷-۳. روایات جابر، ناظر بر تعیین مصداق آیه

از آنجا که دأب قرآن غالباً تصریح بر نام افراد نیست، چه افراد ممدوح و چه مذموم، یکی از مشکلات تفسیرآیات قرآن، تعیین مصداق برای ضمیرها یا اسم اشاره‌ها و یا موصول هاست، که گاه از آن به «تأویل» یاد می‌شود. گفتنی است که تأویل هر آیه، هر معنایی است که در ظاهر آیه نمی‌گنجد و چنین معنایی، اعم است از معیّن کردن مصداق، و یا عمق بخشیدن به معنای ظاهری و رسیدن به بطون آیه. (تفصیل بحث را ببینید در: اصول تفسیرقرآن برگرفته از روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام، ص ۳۷۵-۴۰۲). در حوزه تعیین مصداق آیه نیز از جابر روایاتی نقل شده که نمونه‌هایی ارائه می‌گردد.

ذیل آیه صَدم سوره توبه، از قول جابر روایتی نقل شده که مصداق آن را مشخص می‌کند. آیه چنین است: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهاجِرينَ وَالْأَنْصارِ وَالَّذينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْري تَحْتَهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها أَبَداً ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ». سخن از کسی است که از مهاجران و انصار بوده، ولی سبقت ایمانی داشته‌است. اقوال مختلفی مطرح شده که بین مهاجرین، نخستین ایمان آورنده چه کسی است، ولی جابر نقل کرده که مصداق آیه، در بین زنان حضرت خدیجه علیهاالسلام و در بین مردان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است (مسند جابر، ص ۳۷۵، ح ۳۹۹؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۵).

نمونه دیگر آیه ۱۷ سوره هود می‌باشد که خداوند می‌فرماید: «أَفَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتابُ مُوسى إِماماً وَرَحْمَةً أُولئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلا تَكُ في مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يُؤْمِنُون». علاوه بر روایاتی از امام باقر و امام رضا علیهماالسلام، جابر هم نقل کرده که شاهدِ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در عبارتِ «يَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ» علی علیه‌السلام است که همواره به نفع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شهادت می‌داد (مسند جابر، ص ۳۷۵، ح ۴۰۲؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۵۰).

نمونه سوم در تعیین مصداقِ مطهّرانِ آیه تطهیر است، آنجا که خداوند می‌فرماید: «... إِنَّما يُريدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً (احزاب/۳۳). جابر نقل می‌کند که این آیه در حالی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده که در خانه، غیر از فاطمه و علی و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

حسن و حسین علیهما‌السلام کسی نبود؛ و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «اللهم انّ هؤلاء اهلی». (مسند جابر، ص ۳۷۹، ح ۴۱۵؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۵۷). البته مفسران اهل سنت، روایات جابر را می‌پذیرند، ولی آن‌گاه که مخالف میلشان باشد، ردّ می‌کنند. از جمله در همین مورد، همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را نیز از مصادیق آیه برمی‌شمارند(تفصیل بحث در کتاب: آیهٔ تطهیر در شعر شعرای عرب، از همین قلم، بخش اول).

۷-۴. روایات جابر ناظر بر تفسیر و توضیح آیه

صحابیان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اطراف ایشان بودند و طبیعی بود که از معانیِ آیات نازل شده بپرسند، و گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خودشان بدون پرسشی از سوی صحابه، مبادرت به توضیح و تفسیر آیه می‌کردند. البته همه صحابیان به دنبال کسب دانش و فهم قرآن نبودند و ادعای فهم نیز نداشتند، لذا اگر کسی از آنها می‌پرسید، صراحتا می‌گفتند: آنگاه که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد بود، ما در بازارها به دنبال کسب درآمد بودیم (شغل برخی صحابه را ببینید در: حیاة الحیوان الکبری، ج ۱، ص ۲۷۵). در کتاب التفسیر و المفسرون، نویسنده با وجود تعصب نسبت به شیعه، به تفاوت صحابه در حوزه علم و خصوصا علم تفسیر، و نیز جایگاه ویژه امیرالمؤمنین علیه‌السلام اشاره کرده می‌نویسد: «علی اقیانوسی از علم و شخصیتی توانمند در استدلال بود ... و صحابه به او پناه می‌بُردند و در این خصوص، سخن عمر کافی است که می‌گفت: مبادا که گرفتاری داشته باشم و علی را نداشته باشم، تا آنجا که این سخن او، مانند ضرب المثل شده است» (التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۶۷). علامه امینی بحث‌های مفصلی در باره میزان دانش صحابه براساس کتب اهل سنت گردآوری کرده‌است (الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۶، بحث نوادر الاثر فی علم عمر).

چنانکه گذشت، جابر از صحابیان واقعی بود و طبیعی است که توضیح و تفسیرهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را ثبت و ضبط کند.

۷-۵. روایات جابر ناظر بر بیان بطون آیه

قرآن، ذو بطون است و در روایات آمده که هر آیه تا هفتاد بطن دارد. البته این عدد ناظر بر تکثیر است. اگر قرآن، بطون مختلف نداشت، جاودانگی و جامعیت آن زیر سؤال

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

می‌رفت. بطن، لایه‌های زیرین معنایی هستند که حتما باید با ظاهرآیه، در یک جهت و مسیرباشند. به عبارت دیگرمعنایی که به شکل بطنی از آیه برداشت می‌شود، نباید مخالف ظَهر و ظاهرِ آیه باشد. این قید مهم موجب می‌شود که باب تفاسیراشاری و باطنیِ غلط بسته شود، و هر تفسیر و توضیحی با برچسبِ «بطن» به کلام خدا ملحق نگردد.

در این‌که چه کسانی می‌توانند بطون قرآن را بفهمند، اختلاف است. یک نظرآن است که معصومان برخی از بطون را برای ما مطرح ساخته‌اند، ولی در ضمنِ آن خواسته‌اند تا روش تفسیرو استخراج بطون را نیزآموزش دهند. یکی از صحابیانی که بطون قرآن را نقل کرده، جابربن عبدالله است. به عنوان نمونه به آیه زیرتوجه شود: «فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُون» (زخرف/۴۱). در آیات قبل از آن، سخن از کسانی به میان آمده که کور و کَرهستند و هدایت را نمی‌پذیرند. در این آیه با خطابِ «کَ» به پیامبرگرامی ﷺ، وعده داده شده که از چنین دشمنانی انتقام خواهیم گرفت. این ظاهرِآیه است؛ اما جلوه‌ای از بطن آیه را جابرروشن می‌کند. وی می‌گوید: «انّي لَأَدْنَاهُمْ مِنْ رَسُولِ اللهِ فِي حِجَّةِ الْوَدَاعِ بِمِنًى، حِينَ قَالَ: لا أَلْفِيَنَّكُمْ تَرْجِعُونَ بَعْدِي كُفَّاراً يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، وَايْمُ اللهِ لَئِنْ فَعَلْتُمُوهَا، لَتَعْرِفُنَّنِي فِي الْكَتِيبَةِ الَّتِي تُضَارِبُكُمْ. ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى خَلْفِهِ فَقَالَ: أَوْ عَلِيٌّ أَوْ عَلِيٌّ ثَلَاثاً. فَرَأَيْنَا أَنَّ جَبْرَئِيلَ غَمَزَهُ، وَأَنْزَلَ اللهُ عَلَى أَثَرِ ذَلِكَ: فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِب. توضیح ماجرا مفصل است، اما خلاصه آن‌که، پیامبر ﷺ اشاره به همدستی و هم‌داستانیِ مخالفان خویش دارند و تصریح به اینکه این صحابیان، حتی قراردادی برعلیه پیامبر ﷺ نوشته‌اند. سپس آیه نازل می‌شود که از آن‌ها سخت انتقام می‌گیرم به وسیله علی ؑ (مسند جابر، ص ۴۱۷، ح ۴۱۷؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۹).

نمونه دیگرآیه ۳۰ از سوره محمد ﷺ می‌باشد که خدا می‌فرماید: «لَوْنَشاءُ لَأَرَيْناكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسيماهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمالَكُمْ». ظاهرآیه روشن است، اما جابردر حدیثی، ذیل آیة فوق، بطن آن را چنین روشن می‌کند: «وَاللَّهِ مَا كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

فِي زَمَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا بِبُغْضِهِمْ عَلِيّاً علیه‌السلام»، یعنی: بخدا ما پیوسته چنین بودیم که منافقان را در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، با بغض نسبت به علی علیه‌السلام می‌شناختیم. این حدیث در مصادر مهم اهل سنت مانند مسند احمد حنبل و جامع المسانید ابن کثیر نقل شده، و راویان حدیث، اشخاص متعددی از جمله عبدالله بن عمر هستند. (مسند جابر، ص ۳۸۰، ح ۴۲۰؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۰۶).

۶-۷. روایات جابر ناظر بر علوم قرآن

دانش‌های مرتبط با قرآن کریم به دو دسته کلیِ درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. آنچه مربوط به فهم آیه و معنای واژگان و جملات است، به علم «تفسیر» شناخته شده، و علومی که به عنوان مقدمه برای فهم قرآن لازم هستند ولی ارتباط مستقیمی با معنای آیه ندارند، با عنوان کلیِ «علوم قرآنی» شناخته می‌شوند؛ مانند: علم اسباب نزول، محکم و متشابه، حروف مقطعه، عدم تحریف، جامعیت، وجوه و نظائر، و... .

جابربن عبدالله انصاری در این زمینه نیز روایاتی نقل کرده و یکی از مواضع علوم قرآن، موضوع وجوه و نظائر است. دانش وجوه و نظائر، از علوم مهم در حوزه واژه‌شناسی قرآن است که سابقه آن به قرون نخستین می‌رسد. در علم وجوه، بحث می‌شود که گاه یک واژه، می‌تواند تا بیست معنا داشته باشد، مانند کلمه «امت»، که به معانیِ آیین، سال، زمان، قوم، و غیر آن در قرآن آمده؛ یعنی هر واژه علاوه بر معنای لغوی که در قاموس‌ها موجود است، در آیه یا عبارت خاص، معنای ویژه‌ای پیدا می‌کند. در علم نظائر، از دو یا چند کلمه سخن به میان می‌آید که یک معنا دارند مانند زنا و سوء، یا قلب و فؤاد. به عبارت دیگر «وجوه» در معانی، و «نظائر» در الفاظ به‌کار می‌روند. توجه به این دانش، تأثیر زیادی در تفسیر دارد (منطق تفسیر قرآن، ج ۱، ص ۳۴۲).

از جابر در وجوه معنایی «خِزی» نقل شده که ذیل آیة ۱۹۴ سورهٔ آل عمران می‌باشد: «رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ وَ لا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعاد». اگر چه فعل «لا تُخْزِنا» در لغت یعنی: «ما را خوار مکن»، ولی جابر می‌گوید: «اِنّ الخِزیَ یَکونُ بِالدّخولِ فی النار» یعنی: خواری در قیامت به معنای دخول در آتش است (مسند جابر،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

ص ۳۶۹، ح ۳۸۰؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۵۶). واضح است که وی سخن خود را به پیامبر ﷺ نسبت نداده‌است. در همین زمینه روایت دیگری از جابربدون استناد به رسول اکرم ﷺ نقل شده، که وجوه معنایی «لهو» را نشان می‌دهد. ذیل آیهٔ «وَإِذا رَأَوْا تِجارَةً أَوْ لَهْواً انْفَضُّوا إِلَيْها وَتَرَكُوكَ قائِماً...» (جمعه/۱۱) یعنی: «این مردم (سست ایمان) چون تجارتی یا لهو و بازیچه‌ای ببینند بدان شتابند و تو را در نماز تنها گذارند...» جابر می‌گوید: لهو یعنی مزامیر. (مسند جابر، ص ۳۸۲، ح ۴۲۶؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۸۹).

در حوزه «محکم و متشابه» هم به همین شکل یعنی بدون استناد به معصوم، سخن مهمی از جابر نقل شده، آنجا که ذیل آیه هفتم آل عمران، خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتابَ مِنْهُ آياتٌ مُحْكَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتابِ وَأُخَرُ مُتَشابِهاتٌ فَأَمَّا الَّذينَ في قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ...». از آنجا که متابعت آیات متشابه در آیه، مورد سرزنش شدید قرار گرفته، شناخت دو گونه آیاتِ مذکور در سوره آل عمران، امری حیاتی است. از جابر نقل شده که: «أَنَّ المُحكمَ ما يُعلَمُ تأويلُهُ، و المُتَشابِهَ ما لا يُعلَمُ تَأويلُهُ، كَقِيامِ السّاعةِ»، یعنی: محکم آن است که تأویل (و معنای واقعیِ آن) دانسته شود، ولی تأویل متشابه قابل فهم نیست مانند زمان قیامت» (مسند جابر، ص ۳۶۸، ح ۳۷۶؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۰۹). منظور این است که با وجود هر گونه تلاش تفسیری و داشتنِ علوم مختلف، کسی نمی‌تواند بفهمد که زمان قیامت چه هنگامی خواهد بود.

۷-۷. روایات جابر ناظر بر احکام فقهی و عبادات

روایات منقول از جابربن عبدالله انصاری در حوزه «فقه» فراوان است. محقق معاصر، صاحب کتاب «جابر، حیاته و مسنده» در یک باب مجزا با عنوان «بابٌ فی الفقه» تعداد ۲۷ روایت را گردآورده‌است. این روایات در زمینه‌های مختلف مانند احکام ارث، وضو، نماز، جهاد، نکاح، ذبح، قضاوت، بیع و غیر آن است که گاه با ذکر آیه مربوطه و گاه بدون ذکر آن است. چون پژوهش حاضر در مورد تفسیر جابر فراهم آمده، نمونه‌ای از این‌گونه روایات ذکر می‌شود. یکی از مباحث مهم در نماز، که بین فریقین اختلاف است، ذکر «بسمله» در آغاز قرائتِ سوره حمد است. جابر در این باب روایت صریحی دارد که: رسول

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

خدا ﷺ از من پرسید: چگونه نماز می‌خوانی؟ گفتم: «می‌گویم الحَمدُ لله رب العالمین». فرمود: «بگو: «بسمِ الله الرحمانِ الرحیمِ، الحَمدُ لله ربِ العالَمین».

۷-۸. روایات غیرتفسیریِ جابربن عبدالله، مشتمل برآیات قرآن

به‌طور کلی در روایات منقول از معصومان علیهم‌السلام، برخی احادیث دیده می‌شود که مشتمل برآیات قرآن هستند، ولی ربطی به تفسیرآیه ندارند، یعنی کمکی به فهم و کشف معنای کلام‌الله نمی‌کنند، ولی اصطلاحا در زمره روایات تفسیری شمرده می‌شوند. اینک سه نوع از این حوزه ارائه می‌شود که از جابر نقل شده‌است.

۷-۸-۱. روایات تاریخی

در منقولات جابربن عبداالله انصاری، روایاتی یافت می‌شود که نمی‌توان آن‌ها را روایت تفسیری نامید، چون کمکی به فهم آیه یا آیات قرآن نمی‌کند، اما از این حیث که مشتمل برآیه قرآن است، در شمار روایات تفسیری آمده‌اند؛ مانند روایاتی که صبغه تاریخی دارند. مثلا ذیل آیهٔ یکم سوره فتح به نکته جالبی برمی‌خوریم که اطلاعات حاشیه‌ای ولی مفید را حول آیه ارائه می‌کند، آنجا که خدا می‌فرماید: «إِنَّا فَتَحْنا لَكَ فَتْحاً مُبينا». راوی می‌گوید: از جابر پرسیدم در «روز شجره» چند نفر بودید؟ گفت: ۱۵۰۰ نفر. سپس گفت: همه تشنه بودیم و رسول خدا ﷺ دستش را در ظرف آبی فرو بُرد و از بین انگشتانش چشمه‌های آب سرازیر گشت. آب، به قدری زیاد بود که همه سیراب شدیم و اضافه هم آمد. دوباره پرسیدم: چند نفر بودید؟ گفت ما ۱۵۰۰ نفر بودیم ولی اگر صدهزارنفر هم بودیم، آب کافی بود (مسند جابر، ص ۳۸۱، ح ۴۲۱؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۳۷).

ذیل آیات دیگر همین سوره در ماجرای خیبر، از امام باقر علیه‌السلام حدیث جالبی نقل شده که با توجه به عمر طولانیِ جابر، قابل توجه است و معتمَد بودنِ او را نشان می‌دهد. امام پنجم از جابربن عبدالله بدون واسطه نقل می‌فرماید که: «علی علیه‌السلام باب قلعه خیبر را برداشته و طوری قرار داد که لشکر مسلمانان از آن بالا رفته و پیروز شدند. بعد از اتمام جنگ، آن را در جای خودش قرار داد، در حالی‌که چهل مرد نتوانستند در را حمل کنند». (مسند جابر، ص ۳۸۱، ح ۴۲۲؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۷-۸-۲. روایات فضائل سوره‌ها

در کتب فریقین روایاتی دیده می‌شود که پیرامون فضائل سوره‌ها و پاداش قرائت آنها است. این روایات اگرچه تفسیری نیستند، یعنی معنای آیه یا فرازی از قرآن را مشخص نمی‌کنند، ولی از آن جهت که ناظر به قرآن هستند، ذیل روایات تفسیری می‌آیند. جابر نیز از این‌گونه روایات نقل کرده‌است؛ مانند آن‌که پیامبر ﷺ به جابر فرمود: آیا تو را آگاه کنم که افضل سوره‌های قرآن کدام است؟ عرض کردم: بلی فدایت شوم. فرمود: امّ الکتاب، که شفای هر دردی هست به جز مرگ. (مسند جابر، ص ۳۶۶، ح ۳۶۸؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۷).

همچنین در ثواب قرائت سه آیه از اول سوره انعام، جابربن عبدالله از قول پیامبر ﷺ نقل می‌کند که: «مَن قرأ ثلاث آيات من أوّل سورة الأنعام إلى قوله وَ يَعْلَمُ ما تَكْسِبُونَ، وكّل الله به أربعين ألف ملك، يكتبون له مثل عبادتهم إلى يوم القيامة، و ينزل ملك من السّماء السّابعة و معه مرزبة من حديد. فإذا أراد الشّيطان أن يوسوس أو يرمي في قلبه شيئا، ضربه بها ضربة».

۷-۹. روایات تفسیریِ جابر ناظر بر فضائل اهل بیت علیهم‌السلام

فراوانیِ روایات جابر در موضوع فضائل معصومان علیهم‌السلام از همه موضوعات دیگر بیشتر است. جابر صحابیِ محبِ اهل بیت علیهم‌السلام است، تا آنجا که پیامبر ﷺ درباره او فرمود: «يَا جَابِرُ! وَ أَنْتَ مِنَّا، أَبْغَضَ اللهُ مَنْ أَبْغَضَكَ وَ أَحَبَّ مَنْ أَحَبَّكَ» یعنی ای جابر! تو از مایی؛ خدا دشمن می‌دارد آنکه با تو دشمن است و دوستت می‌دارد آنکه تو را دوست دارد (بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۸). بدیهی است که این صحابی گرانقدر در نقل فضائل رسول خدا ﷺ و خاندان گرامش کوتاهی نکرده است. محقق معاصر، این فضائل را در چند باب و ۱۴۶ صفحه گرد آورده، بدون آنکه ادعای استقراء کامل داشته باشد (مسند جابر، ص ۱۶۹-۳۱۵).

فضائل معصومان علیهم‌السلام که توسط جابر نقل شده، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: گروه اول، روایاتی است که ذیل آیه یا آیاتی نیست و ذکر منقبتی از مناقب ایشان است. گروه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

دوم، روایاتی است که صبغه تفسیر قرآن دارد ولی فضائل موجود در قرآن را مطرح می‌نماید و مدّ نظر پژوهش حاضر می‌باشد. به‌عنوان نمونه‌ای از گروه اول می‌توان به حدیث بسیار معروف «لوح» اشاره کرد که در زمان حیات رسول خدا ﷺ و به عنوان بشارت برای تولد حسین بن علی علیهما السلام به حضرت صدیقهٔ طاهره علیها السلام عطا شد. این هدیه از طرف خداوند و به واسطه جبرئیل بود و به شکل لوحی از جنس زمرّد، و مشتمل بر نام همه امامان بود. استاد واثقی جدا از فضائل اهل‌بیت علیهم السلام که یاد شد، ده صفحه را به ذکر این روایت اختصاص داده‌است (مسند جابر، ص ۱۵۹).

گروه دوم نیز بسیار فراوان است و در کتاب‌های جداگانه باید احصا شود. ذیل آیاتی از قبیل آیه ولایت، آیه تبلیغ، آیه تطهیر، آیه اِکمال، آیه علم الکتاب، آیه اولو الامر، آیات سوره انسان، و بسیاری آیات دیگر فضائل بی شماری از امیرالمؤمنین و همسر و فرزندانش علیهم السلام به واسطهٔ جابر نقل شده است. شاید بتوان گفت معروفترین حدیث جابر، همان حدیثی است که ذیل آیهٔ ۵۹ سورهٔ نساء آمده: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللَّهَ وَأَطیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْکُم ...». کلینی حدیث را بسیار مفصل نقل می‌کند که خلاصه آن چنین است: امام صادق علیه السلام فرمود: جابر آخرین صحابی بود که باقی مانده‌بود و از ما اهل‌بیت هم جدا نشده‌بود. او در مسجد رسول خدا ﷺ نشسته و مرتب صدا می‌کرد: «یا باقر العلم». مردم مدینه گمان می‌کردند که هذیان می‌گوید. جابر می‌گفت: بخدا سوگند هذیان نمی‌گویم. خودم از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: ای جابر، تو مردی از فرزندان مرا درک می‌کنی که اسمش مانند من و شمائلش نیز مانند من است. او علم را می‌شکافد. سلام مرا به او برسان. این داستان، زمانی اتفاق افتاده که آیه فوق نازل شد و جابر از پیامبر ﷺ پرسید: خدا و رسول را شناختیم و اطاعت کردیم. اولوالامر چه کسانی هستند که باید اطاعت کنیم؟ پیامبر ﷺ در پاسخ، یک به یک جانشینانش را از امیرالمؤمنین تا مهدی صاحب الزمان علیهم صلوات‌الله برای جابر برشمرد و به او فرمود: تو تا عصر فرزندم باقر العلوم زنده خواهی ماند، پس سلام مرا به او برسان.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

استاد واثقی روایات متعدد این زمینه را در بابی جداگانه با عنوانِ «باب فی ابلاغ جابر سلام رسول‌الله الی الامام الباقر» در هشت صفحه آورده‌است (مسند جابر، ص ۳۰۳). احادیث منقول از جابر در باب مهدویت نیز بسیار است که ذیل آیات مرتبط با حضرت مهدی علیه‌السلام ذکر شده، و مجال آن در این مقال نیست.

نتیجه‌گیری:

۱. جابربن عبدالله انصاری یکی از صحابیان برجسته پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود که به واسطه ویژگی‌های مثبت فراوان، از همان نوجوانی مورد علاقۀ مسلمانان و خصوصا شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود و اعتبار داشت. فضائل او زیاد و در کتب فریقین مشهور است.

۲. جابر از صحابیان برجسته و مورد توجه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام و نیز عمر طولانی داشته، بدیهی است که تعداد و به تبعِ آن گونه‌های روایات منقول از او متعدد باشد.

۳. با توجه به اینکه وی هم صحابی است و هم تابعی، بدیهی است که ویژگی هر دو گروه تفسیری صحابه و تابعین را داشته باشد. جابر از آن روی که صحابی بود، غالب تفسیر وی نقل از رسول خدا است؛ اما از آن روی که تابعی بود، رایحه‌هایی از اجتهاد نیز در تفسیر او به چشم می‌خورَد.

۴. مطالعۀ روایات جابربن عبدالله نشان می‌دهد وی جزء جریانِ «گرایشِ سلبی» در تفسیر نبوده است.

۵. از حیث گونه شناسی، روایات او همه عناوین دینی را در برمی‌گیرد؛ یعنی حوزه اخلاق، حوزه احکام و فقه، و حوزه اعتقادات

۶. روایات تفسیری جابر را می‌توان در چند گروه بیان کرد: بیان معانی واژه ها، ارائۀ شأن نزول آیات، تعیین مصداق آیه، تفسیر و توضیح آیه، بیان بطون آیه، علوم قرآن، احکام فقهی و عبادات. بعلاوه روایات غیرتفسیریِ او مشتمل بر احادیث فقهی و تاریخی و فضائل اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

منابع:

ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه تاریخ، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۳۷۸ ق.
اخوان مقدم، زهره، آیه تطهیر در آیینه شعر عرب، تهران، انتشارات نبأ، ۱۳۹۲ ش.
اخوان مقدم، زهره، اصول تفسیر قرآن برگرفته از روایات اهل بیت، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۳ش.
اسعدی، محمد، و همکاران، آسیب شناسی جریان‌های تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب.
ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون.
رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، قم، جامعه المصطفی، ۱۳۸۷ش.
سید بن طاووس، سید علی بن موسی، مصباح الزائر، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم.
طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تصحیح علامه شعرانی، مکتبه الاسلامیه، ایران، تهران.
طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، مصباح المتهجد.
علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، مرکز بین المللی نشر المصطفی، ۱۳۹۴ش.
یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبرّ، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، دار نهضه، مصر.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.5.6]